



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه‌سیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

تحلیل مفهومی سیاست تحفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم



تحليل مفهومي سياست تخفيف و معافيت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهارتورم

گزارش سياستی

نویسنده:

مسعود داودی پور



تاریخ چاپ: اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی

و نقش آن بر مهار تورم

نویسنده: مسعود داودی پور

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: اسد عدالت پرور

واژه‌های کلیدی: سود بازرگانی، حقوق گمرکی، تخفیف حقوق ورودی، تورم،

مهار تورم، رشد تولید

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۲۲۶۰۰۲۵

تاریخ نشر: اردیبهشت ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

- ۱- مقدمه ۱
- ۲- مفهوم حقوق ورودی و سود بازرگانی ۴
- ۳- تفکیک علت و معلول در افزایش هزینه‌های تولید و نقش حقوق گمرکی ۶
- ۴- مزایا و معیاب اخذ حقوق ورودی و سودبازرگانی ۷
- ۵- سنجه‌های تورم زدایی کاهش نرخ حقوق ورودی و سود بازرگانی ۸
- ۶- نگاهی به حقوق ورودی (مصوب) و موثر کالاها طی سال ۱۴۰۱ ۹
- ۷- اثر حقوق ورودی و سود بازرگانی بر تورم ۱۲
- ۸- کاهش حقوق و عوارض گمرکی بر پایه الگوی ایرانی-اسلامی ۱۴
- نتیجه ۱۶



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

باسمه تعالی

چکیده

مجموع عوارض اخذ شده از کالاهای وارداتی در مبادی ورودی گمرکی، به عنوان هزینه‌ی نهایی در قیمت تمام شده در عرضه کالاها به حساب می‌آید، سیاستگذاران در سال‌های اخیر جهت کاهش قیمت تمام شده برای کنترل تورم ناشی از این مسئله، اقدام به اعطای تخفیفات موضعی و موردی برای واردات برخی اقلام مانند کالای اساسی و کالای واسطه‌ای می‌کنند. بررسی اثر گذاری این سیاست بر مهار تورم و بررسی جایگزین‌های احتمالی بر پایه اسناد بالادستی کشور، ساز و کاری است که در این چارچوب تعریف می‌شود. هدف از این تحقیق ارائه نگاه بلند مدت به سیاستگذاری اقتصادی در زمینه کاهش عوارض حقوق گمرکی بوده و به روش تحلیل کیفی و جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است که تجزیه و تحلیل داده‌ها در دل متن انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد اثرگذاری مجموع حقوق گمرکی بر افزایش هزینه تمام شده محصول نهایی مصرف در دو طیف کالایی مصرفی و واسطه‌ای مشهود است، لکن اثر تخفیفات به شکل موردی و موضعی نمی‌تواند اثر خود را در مهار تورم نشان داده و نیاز است بر اساس اسناد بالادستی، راهکار اصلی خودکفایی در تولید اقلام اساسی و ایجاد رابطه فناورانه برای تولید کالاهای واسطه‌ای است تا ارزش افزوده نسبتاً بالا در داخل کشور ایجاد شده و مهار تورم همانطور که در قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده است به واسطه اتکای به تولید داخل انجام گیرد و عوارض گمرکی در این اقلام خاصیت خود که تنظیم گری و حمایت از تولیدات داخلی است را بازپس گیرد.

۱- مقدمه

در بسیاری از کشورها، حکومت‌ها برای حمایت از بخش‌های اجتماعی و مهار فشارهای تورمی تحمیلی به دهک‌های پایین جامعه، از یارانه‌هایی نظیر تخفیف حقوق گمرکی بر روی کالاهای اساسی وارداتی استفاده می‌کنند. با این تدابیر، هدف اصلی دولت‌ها در تسهیل دسترسی به کالاهای اساسی و کاهش قیمت‌ها برای افراد ضعیفتر جامعه و در عین حال کنترل تورم است.

پرداخت یارانه به عنوان سیاست حمایت دولت از بخش‌های اجتماعی در طرف مصرف کنندگان و تولیدکنندگان شناخته می‌شود. یکی از انواع یارانه‌هایی که دولت می‌تواند در جهت حمایت خود از قیمت‌های



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

کالا‌های اساسی به کار بگیرد، در نظر گرفتن تخفیف در حقوق ورودی کالا‌های اساسی وارداتی است. در واقع منظور و مقصود اصلی حمایت‌های این چنینی کمک به گروه‌های خاص بوده و به نوعی جهت مهار فشار تورمی تحمیلی به دهک‌های پایین جامعه انجام می‌گیرد. از این رو وضع تخفیفات حقوق ورودی به عنوان یک سیاست عملیاتی در سال گذشته به عنوان عامل کاهش هزینه تولید در جهت مهار تورم ناشی از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌تواند آزمون خوبی برای بررسی این مطلب باشد که آیا اصل اثر گذاری سیاست تخفیف در حقوق ورودی و سود بازرگانی در مهار تورم وجود دارد؟ و میزان اثر گذاری در کاهش تورم و سطح عمومی قیمت‌ها چقدر است؟ در ادامه پاسخ به این سوال این مسئله اهمیت پیدا می‌کند که سرجمع آثار مثبت و پیامدهای منفی حاصل از وضع این نوع تخفیفات بر روی گروه کالا‌های اساسی آیا در راستای مهار تورم و رشد تولید به صورت توامان است یا خیر؟

برای بررسی اثرات حقوق ورودی و سود بازرگانی در ایجاد تورم، ابتدا باید مفهومی از عواملی که تورم را تحت تأثیر قرار می‌دهند، داشته باشیم. عوامل متعددی، از جمله عرضه پول، تقاضا، هزینه‌های تولید و هزینه‌های واردات، می‌توانند به تورم کمک کنند. در صورتی که هزینه‌های واردات بالا باشند، احتمال افزایش قیمت‌ها و تورم بیشتر نیز وجود دارد. در این صورت نقش اخذ حقوق ورودی و سود بازرگانی در ایجاد تورم سپس اثر حذف یا تخفیف بخشی از آن را بر مهار تورم مشخص خواهد شد.

در مورد تخفیف حقوق ورودی بر روی کالا‌های اساسی وارداتی، این تخفیف می‌تواند تأثیرات زیادی داشته باشد. این تنزیل قیمت‌ها می‌تواند باعث کاهش قیمت کالا‌های اساسی شود و همچنین بیشتر به گروه‌های خاص پایین جامعه کمک کند. از طرفی، کاهش هزینه‌های واردات برای کسب و کارها و تولیدکنندگان می‌تواند تولید بیشتری را تشویق کند. اما تأثیر این تخفیف در کاهش تورم و سطح عمومی قیمت‌ها بستگی به چندین عامل دارد. برای مثال، اگر تخفیف حقوق ورودی تأثیر بیشتری روی هزینه‌های تولید وارد کنندگان داشته باشد و این تأثیر منتج به کاهش قیمت‌ها شود، می‌تواند به کاهش تورم نیز کمک کند. اما اگر توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی کم باشد و با توجه به قوانین بازرگانی واردکننده‌ها اولویت داشته باشند، تأثیر این تخفیف در کاهش تورم ممکن است کمتر باشد.



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

همچنین، در مورد آثار مثبت و پیامدهای منفی نیز باید دقت کرد. تخفیف حقوق ورودی بر روی کالاهای اساسی می تواند کمک کند تا قیمت ها کاهش یابد و مخصوصاً بر روی گروه های پایین جامعه تأثیر بگذارد. به طور کلی برای بررسی دقیق تأثیرات سیاست تخفیف حقوق ورودی در مهار تورم و رشد تولید، نیاز به تحلیل گسترده ای از داده ها و ارتباطات مختلف است.

کشورهای مختلفی در وضع و حذف حقوق گمرکی و تأثیر آن بر تورم و رفاه اقتصادی تجربه های مشابهی دارند. تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است که به عنوان پیشینه بحث به دو نمونه از آن ها اشاره می شود.

۱. Tariff Reductions, Heterogeneous Firms, and Welfare: Theory and Evidence

for 1990–2010: این تحقیق بررسی کرده است که چگونه کاهش حقوق گمرک در سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ تأثیری بر رفاه اقتصادی داشته است. نتایج نشان می دهد که حرکت به سمت تجارت آزاد منجر به بیشترین سود (۵٪ نسبت به سال ۱۹۹۰، تقریباً ۱۰٪ در کشورهای در حال توسعه) می شود، که این نشان می دهد که برای کاهش گمرک در آینده هنوز فرصت های زیادی وجود دارد. (Caliendo et al., 2023)

۲. Processing Trade, Tariff Reductions and Firm Productivity: Evidence from Chinese Firms

این مقاله بررسی می کند که چگونه کاهش حقوق گمرک بر ورودی های وارداتی و کالاهای نهایی تأثیری بر بهره وری شرکت های تجاری بزرگ چینی دارد. (Yu, ۲۰۱۵)

یکی از نمونه های موفق حمایتی در ایران به واسطه حقوق گمرکی، حمایت خاص از خودروسازان از طریق تعرفه ۹۰ درصدی تأمین اعتبار مالی و... است که نشان می دهد خودروسازان تولید سالی ۱,۵ میلیون خودرو با ۲۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی و ۲ میلیون شغل مستقیم و غیر مستقیم را در پی اخذ این سیاست ایجاد کرده است. (وارث سید حامد و دیگران، ۱۳۹۱) یعنی با این سیاست موثر تعرفه ۹۰ درصدی، مواهب و عواید برای کشور ایجاد شده و خودروساز ایرانی از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۹۲ با همین چند سیاست به خودروساز جهانی و صادر کننده موفق در منطقه تبدیل شده است. اگر این نگاه به خودروسازان به چند صنعت بومی و تاریخی ایران یعنی صنعت نساجی، کیف و کفش و... نیز تعمیم داده شود و یا حداقل با تعرفه ۴۰ تا ۵۰ درصدی از این صنایع قدیمی و ریشه دار و صنایع غذایی حمایت کنیم متوجه خواهیم شد که نه تنها ایرانی



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

کالا و خودرو و پارچه و کفش و مواد غذایی ایرانی مصرف میکنند بلکه کشورهای دیگر را نیز تشویق به واردات کالا از ایران خواهد کرد.^۱

بحث از تخفیف حقوق ورودی و سود بازرگانی در اقتصاد ایران، از معدود مواردی است که در تحقیقات علمی به آن پرداخته شده باشد، بلکه جنبه‌های مختلف اثر مالیات و تخفیف مالیاتی بر تورم بیشتر مورد نظر محققان بوده است، از این رو مسئله تحقیق پیش رو دارای نوآوری در طرح بحث است که با روش استدلال منطقی به دنبال ارائه راهکار بلند مدت در مقابل سیاست تخفیف گمرکی برای مهار تورم است.

۲- مفهوم حقوق ورودی و سود بازرگانی

گمرک سازمانی است که مسئولیت اجرایی اخذ مالیات‌های مربوطه را بر واردات و صادرات دارد، عمده اثراتی که مالیات‌های گمرکی از نظر اثرات جابه‌جایی منابع در اقتصاد دارد، مربوط به اثر تخصیصی و اثر حمایتی است. در واقع دولت‌ها از طریق مالیات بر واردات، کنترل و محافظت از صنایع داخلی خود را اعمال می‌کند. در نتیجه مالیات بر واردات و صادرات از نظر اثرات تخصیصی و حمایتی حساسیت زیادی دارند که اثرات سیاستگذاری آن کلیه بخش‌های اقتصادی را در بر می‌گیرد. واردات و صادرات کلیه بخش‌ها مثل کشاورزی صنعت و خدمات را متأثر می‌کند به خصوص صنعت عمده‌ترین بخشی است که از سیاست‌های گمرکی متأثر می‌شود.^۲

ابزاری که با توجه به قانون، در اختیار سیاستگذاران امر قرار گرفته مفهوم حقوق ورودی و سود بازرگانی است، در واقع حقوق ورودی به معنای همه آن مقدار از عوارض و مالیات مانند حقوق گمرکی، سود بازرگانی، مالیات بر ارزش افزوده و... می‌باشد که نیاز است جهت ترخیص کالا پرداخت شده و اسناد پرداختی آن تسلیم به کارشناس ترخیص گمرک گردد، در عین حال معنای خاص این اصطلاح که معمولاً از آن تعبیر به حقوق گمرکی می‌شود مربوط به آن درصدهایی است که طبق تعرفه قانون صادرات و واردات هر ساله ابلاغ می‌گردد که در شرایط عادی به میزان ۴ درصد برای هر کد تعرفه تعیین شده است. تصویب میزان حقوق گمرکی بر عهده مجلس شورای اسلامی است.^۳

^۱ (فریدونی، ۱۳۹۴، ص ۴۲)

^۲ (فریدونی، ۱۳۹۴، ص ۱۴)

^۳ (صادقی فروشانی، ۱۳۸۵)



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

سود بازرگانی به عنوان یکی از هزینه‌های حقوق ورودی کالاهای وارداتی در گمرک، در جدول طبقات سود بازرگانی این بخشنامه مورد تعبیر قرار گرفته است. جدول طبقات سود بازرگانی بر اساس وزن، حجم یا تعداد کالاهای وارداتی تعریف شده است و مقدار سود بازرگانی براساس این طبقات محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر، برای محاسبه سود بازرگانی یک کالا، باید ابتدا طبقه‌بندی آن در جدول طبقات سود بازرگانی را بر اساس وزن، حجم یا تعداد واحدهای کالا وارداتی، تعیین کرده و مقدار سود بازرگانی متناظر را استخراج کنید. این سود بازرگانی می‌تواند به عنوان عاملی به منظور محاسبه حقوق ورودی کالای وارداتی مورد استفاده قرار گیرد. سود بازرگانی هزینه ای است که در قوانین و مقررات مربوط به تجارت بین المللی طی تصویب نامه وزیران وضع شده است و برای مشخص کردن محاسبه سود بازرگانی از مسائل گوناگونی مانند سیاست های اقتصادی کشور و... مد نظر قرار گرفته است. بر اساس تعریف سود بازرگانی این هزینه با هزینه ای چون عوارض و تعرفه های گمرکی متفاوت است و تنها به محموله های تجاری وارداتی تعلق می گیرد.^۱

براساس بند «د» ماده (۱) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰) حقوق ورودی عبارت است از حقوق گمرکی که برای همه کالاها ۴ درصد و توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده است + سود بازرگانی که توسط هیئت وزیران هر ساله تعیین میگردد و در قالب کتاب قانون مقررات صادرات و واردات منتشر میشود + وجوهی که به موجب قانون گمرک مسئول وصول آن است و به واردات قطعی کالا تعلق میگیرد، ولی شامل هزینه های انجام خدمات نمیشود در مجموع و به طور خلاصه عایدی دولت از محل واردات براساس فرمولهای زیر محاسبه میگردد:

الف) ارزش گمرکی کالا = ارزش بهای خرید کالا + هزینه بیمه + هزینه حمل و نقل × نرخ برابری ارز

ب) سود بازرگانی = ارزش گمرکی کالا × نرخ سود بازرگانی

ج) حقوق گمرکی = ارزش گمرکی کالا × ۴٪

د) حقوق ورودی سود بازرگانی + حقوق گمرکی + سایر عوارض

ه) مالیات بر ارزش افزوده = حقوق ورودی + سایر عوارض × ۹٪

و) کل عایدی دولت از محل واردات = حقوق ورودی + مالیات بر ارزش افزوده

^۱ (گیلانپور و رفعتی، ۱۴۰۱)



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

۳- تفکیک علت و معلول در افزایش هزینه‌های تولید و نقش حقوق گمرکی

یکی از مهمترین تکانه‌ها در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، مرتبط با افزایش هزینه‌های تولید است، هزینه‌های تولید شامل؛ هزینه مواد اولیه، حقوق و دستمزد، تعمیر و نگهداری، حمل و نقل و هزینه‌هایی که در فرایند تولید مانند مالیات بر درآمد، است. آن چه از تحقیقات علمی بدست آمده، می‌توان گفت با محاسبه حسابداری، بیش از هفتاد درصد هزینه تولید، مربوط به هزینه مواد اولیه است، در واقع قیمت محصول نهایی یک تولید کننده به شدت وابسته به قیمت تمام شده مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تولید، بنگاه او خواهد بود.^۱

بنابراین تورم می‌تواند از طریق فشار هزینه بر مواد اولیه و کالای واسطه‌ای، با درصد بالا ایجاد شود، به این بیان که هزینه مواد اولیه که بخش عمده هزینه تولید را پوشش می‌دهد، با افزایش، قیمت تمام شده محصول نهایی را به میزان قابل توجه افزایش داده و در نهایت تولید کننده برای عرضه محصول خود در بازار قیمت بالاتری را جهت کسب درآمد با صرفه برای خود می‌کند. در واقع علت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در این فرض ارتباط وثیقی با افزایش هزینه مواد اولیه دارد. و تورم با این نگاه تنها نقش معلول از طرف فشار هزینه تولید را ایفا می‌کند. یکی از نگرش‌هایی که در زمینه کاهش حقوق ورودی گمرکی بعضی از کالاهای مطرح شده است، جلوگیری از تورم و افزایش قیمت‌ها به واسطه کاهش حقوق ورودی کالاهای وارداتی است اما استفاده از این روش برای مبارزه با افزایش قیمت‌ها به عوامل مختلف و منشأ افزایش قیمت‌ها بستگی دارد.

هدف از اخذ حقوق ورودی در نظام تجاری وارداتی، حمایت متعارف از تولید داخلی است. در نتیجه دلایلی همانند تنظیم بازار داخلی، کسب درآمد ناشی از برقراری حقوق ورودی، مبارزه با قاچاق کالا، استفاده بیشتر از ظرفیت‌های تولیدی، جایگزینی تولید داخلی به جای واردات، افزایش انگیزه برای کسب و کارها و افزایش اشتغال نمی‌تواند به طور مستقل مبنایی برای تعیین حقوق ورودی باشد. هر چند ممکن است برقراری حقوق ورودی متعارف با بعضی از این اهداف همخوانی و هم سوئی داشته باشد.^۲

^۱ (حاتمی زاده، ۱۳۸۰)

^۲ (آقازاده، ۱۳۹۴، ص ۷۵)



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

حمایت متعارف از تولید به معنای این است که حقوق ورودی نباید به مقداری پایین باشد که تولیدکنندگان داخلی در رقابت با محصولات مشابه خارجی، مجبور به تعطیلی بنگاه و خروج از بازار شوند و در واقع ظرفیت‌های اقتصادی کشور از کار بیافتند و همچنین نباید به مقداری بالا باشد که تولیدکنندگان داخلی با توجه به موانع ورودی که برای کالاهای خارجی وضع شده است، محصول خود را به قیمت نسبتاً بالاتری بیش از قیمت تمام شده به مصرف‌کنندگان تحویل کنند. در واقع یک فعالیت اقتصادی با تولید کالا، ارزش افزوده‌ای برای اقتصاد ایجاد می‌کند که آن ارزش افزوده به عنوان منفعت برای اقتصاد شناخته می‌شود. حال اگر محصول تولیدی با قیمت ایجاد این ارزش افزوده بعلاوه سود متعارفی که گرفته می‌شود در بازار عرضه شود، این مسئله مطلوب خواهد بود که حقوق ورودی اخذ شده نیز در راستای تنظیم‌گری این قیمت باشد و افت و خیز قیمتی عجیب که یا به ضرر مصرف‌کننده یا به ضرر تولیدکننده خواهد بود، ایجاد نشود.

۴- مزایا و معایب اخذ حقوق ورودی و سود بازرگانی

اهم مزایای اخذ حقوق ورودی و سود بازرگانی به شرح ذیل است:

۱. درآمدزایی
۲. تنظیم گری صادرات و واردات
۳. تنظیم گری تراز تجاری
۴. کنترل الگوی مصرف
۵. بهبود وضعیت تجارت خارجی
۶. حمایت از تولید داخلی
۷. سیاست حمایتی و تشویقی
۸. کنترل حسابرسی
۹. تکنولوژی پردازش
۱۰. ابزاری جهت تنظیم موافقتنامه‌های چندجانبه

از معایب اخذ حقوق ورودی و سود بازرگانی می‌توان به نگرانی از تورم ناشی از این نوع عوارض اشاره کرد.^۱

^۱ (منبع: یافته‌های تحقیق)



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

۵- سنجه‌های تورم زدایی کاهش نرخ حقوق ورودی و سود بازرگانی

۱. کاهش حقوق ورودی در راستای کاهش حقوق ورودی بیش از حد منطقی و متعارف باشد. به عبارت دیگر، حقوق ورودی بیش از حد متعارف و منطقی شرایطی را فراهم می‌آورد که هم قیمت تمام شده کالاهای وارداتی بالاتر باشد و هم تولیدکنندگان داخلی با توجه به قیمت کالاهای وارداتی (بدون توجه به قیمت تمام شده خود) کالای تولید داخل را به بازار عرضه کنند که این شرایط سود مضاعفی نصیب آنان خواهد کرد. در نتیجه کاهش حقوق ورودی در این حالت هم اصل حمایت منطقی از تولید داخلی را خدشه دار نمی‌کند و هم کالا به قیمت بالاتر عرضه نمی‌شود. اجرای این سیاست از دو جهت به کاهش تورم کمک می‌کند، از یک سو، با کاهش حقوق ورودی قیمت تمام شده کالای وارداتی کاهش پیدا می‌کند و از سوی دیگر، با کاهش حقوق ورودی تولیدکنندگان داخلی قادر به عرضه محصول خود به قیمت بالاتر نخواهند بود. بنابراین مهم‌ترین اقدام در زمینه کاهش حقوق ورودی برای مبارزه با تورم، حذف هرگونه حقوق ورودی بیش از حد منطقی است.

۲. اگر حقوق ورودی در حد منطقی و متعارف وضع شده باشد و تورم جهانی با تورم داخلی همگام باشد، در صورتی که افزایش ناشی از افزایش تقاضا یا کمبود عرضه (به دلایل مختلف همانند خشکسالی) باشد استفاده از سیاست کاهش حقوق ورودی به منظور تسریع در واردات می‌تواند به کاهش تورم کمک کند و اثرهای نامطلوبی بر تولید داخلی ندارد اما در عین حال کاهش حقوق ورودی نباید خیلی شدید باشد زیرا با کاهش شدید حقوق ورودی قیمت تمام شده کالاهای وارداتی نیز کاهش خواهد یافت اما واردکنندگان و شبکه‌های توزیع و فروش با در نظر گرفتن قیمت کالای داخلی (که با افزایش قیمت نیز همراه بوده است) کالاهای خود را به قیمت بالاتر از قیمت تمام شده به بازار عرضه خواهند کرد و از این رهگذر سودهای غیر متعارفی به دست خواهند آورد. علاوه بر این، زمانی که تقاضای اضافی و کمبود در بازار حذف شد، ضرورت دارد حقوق ورودی به حالت اول درآید تا تولید داخلی را با مشکل مواجه نسازد. بنابراین ملاحظه می‌شود کاهش حقوق ورودی در حالت افزایش تقاضا یا کمبود عرضه تنها به منظور تسریع در واردات توصیه می‌شود، در غیر این صورت وقتی قیمت کالای داخلی نسبت به کالای وارداتی افزایش یابد به طور خودکار انگیزه برای واردات بیشتر ایجاد می‌شود اما کاهش حقوق ورودی این انگیزه را تشدید می‌کند.



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

۳. در شرایطی که افزایش قیمت ها ناشی از افزایش هزینه های تولید باشد، سیاست کاهش حقوق ورودی به منظور مبارزه با تورم به بهای نابودی تولید داخلی تمام خواهد شد. به عبارت دیگر، وقتی افزایش قیمت کالاها ناشی از افزایش قیمت عوامل تولید است، کاهش حقوق ورودی به منظور کاهش قیمت های آن به قیمت نابودی تولید داخلی خواهد بود. بنابراین در صورتی که افزایش قیمت ها ناشی از افزایش قیمت عوامل تولید باشد، سیاست کاهش حقوق ورودی به منظور مبارزه با تورم توصیه نمی شود.

۶- نگاهی به حقوق ورودی (مصوب) و موثر کالاها طی سال ۱۴۰۱

طی سال های اخیر به واسطه کنترل کمتر نرخ ارز توسط بانک مرکزی، نرخ ارز حقیقی (نرخ ارز رسمی واقعی شده بر اساس نرخ تورم داخلی نسبت به نرخ تورم خارجی) با افزایش روبه رو بوده است. با این حال افزایش نرخ ارز حقیقی در کوتاه مدت حائز اثرات منفی بر واردات می باشد. با توجه به ملاحظات برشمرده به نظر می رسد به منظور تعدیل نمودن اثرات منفی افزایش نرخ ارز حقیقی بر واردات و متعاقباً بر هزینه های تولید داخلی، بازنگری و تعدیل نرخ تعرفه های واردات قابل بررسی است.

بر اساس محاسبات گزارش، میانگین حسابی کلیه مآخذهای حقوق ورودی (تعرفه های) مصوب در سال ۱۴۰۱ معادل ۸/۹۹ درصد بوده است. شایان ذکر است که رقم مزبور بدون لحاظ نمودن اقلام ممنوعه وارداتی (۱۵۲۹ قلم کالا) به دست آمده است. این رقم از میانگین تعرفه های منطقه جنوب آسیا که معادل ۸ درصد است بالاتر می باشد.

در حال حاضر بر اساس اطلاعات دریافتی از دفتر مقررات صادرات و واردات وزارت صنعت، معدن و تجارت، از بین ۸۸۵۹ قلم کالا، تعداد ۱۵۲۹ قلم کالا (کالاهاى گروه چهار) مشمول ممنوعیت وارداتی می باشند. از بین این اقلام ممنوعه، ۱۸۰ قلم کالا به کشور وارد شده است اگرچه وزن و ارزش واردات اقلام وارد شده قابل ملاحظه نیست.

نرخ حقوق ورودی موثر کالاها معادل ۴/۵۷ درصد بوده که در محاسبه آن اقلام ممنوعه که وارد کشور شده اند، نیز لحاظ شده اند. پایین بودن حقوق ورودی موثر نسبت به حقوق ورودی مصوب، حکایت از عدم تحقق درآمدهای ناشی از حقوق ورودی مصوب دارد. مطابق اطلاعات جدول ۱ بیشترین فراوانی به ترتیب متعلق به حقوق ورودی ۱ درصد (تعداد ۲۵۶۱ قلم کالا)، حقوق ورودی ۴ درصد (تعداد ۱۰۰۶ قلم کالا)،



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

حقوق ورودی ۳۲ درصد (۲۷۱ قلم کالا)، حقوق ورودی ۲۰ درصد (۴۸۹) و حقوق ورودی ۵۵ درصد (تعداد ۳۳۷ قلم کالا) بوده است.

جدول (۱) جزئیات حقوق ورودی مصوب سال ۱۴۰۱

مأخذ حقوق ورودی	تعداد	سهم
۱٪	۲۵۶۱	۳۴٪
۲٪	۸۵۵	۱۱٪
۴٪	۱۰۰۶	۱۳٪
۵٪	۸۹۵	۱۲٪
۷٪	۲۱۱	۳٪
۱۰٪	۳۶۲	۵٪
۱۲٪	۱۳	۰٪
۱۵٪	۴۹۱	۷٪
۱۷٪	۳	۰٪
۲۰٪	۴۸۹	۷٪
۲۶٪	۲	۰٪
۲۹٪	۱	۰٪
۳۰٪	۱	۰٪
۳۲٪	۲۷۱	۴٪
۴۸٪	۲	۰٪
۵۲٪	۱	۰٪
۵۵٪	۳۳۷	۴٪
۷۵٪	۲	۰٪
۹۵٪	۳	۰٪
۱۰۰٪	۴	۰٪
جمع	۷۵۱۰	۱۰۰٪

مأخذ: محاسبات گزارش بر اساس آمار دریافتی از وزارت صنعت، معدن و تجارت



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

جدول (۲) حقوق ورودی مصوب و موثر کالاها بر اساس طبقه بندی BEC طی سال ۱۴۰۱

نوع کالا	میانگین حسابی حقوق ورودی مصوب	حقوق ورودی موثر
مجموع کالاها	۸/۹۹	۴/۵۷
واسطه ای	۶/۲۱	۳/۸۳
سرمایه ای	۵/۷۱	۴/۳۱
مصرفی	۲۳	۴/۶۸
سایر	۵/۹۷	۱۲/۱۵

ماخذ: محاسبات گزارش بر اساس اطلاعات آماری دریافتی از وزارت صنعت، معدن و تجارت

کاهش نرخ تعرفه کالاهای مصرفی، با هدف کاهش نرخ تورم قابل بررسی می باشد. چنانکه در جدول ۲ ملاحظه می شود، میانگین نرخ حقوق ورودی مصوب کالاهای مصرفی معادل ۲۳ درصد بوده و نرخ حقوق ورودی موثر این گروه کالایی معادل ۴/۶۸ درصد بوده است. اختلاف و شکاف قابل ملاحظه نرخ حقوق ورودی مصوب و موثر حکایت از این امر دارد که به دلیل بالا بودن نرخ حقوق ورودی مصوب در عمل عدم واردات از اقلام با نرخ حقوق ورودی بالا منجر به پایین آمدن نرخ حقوق ورودی موثر شده است. از سوی دیگر بالا بودن نرخ تعرفه واردات کالاهای مصرفی ضمن کاهش واردات رسمی این اقلام به کشور، موجبات ورود غیر رسمی (قاچاق) این اقلام به کشور را فراهم کرده و ورود کالای قاچاق به کشور به دلیل عدم پرداخت حقوق دولتی (حقوق ورودی و مالیات) در مقایسه با ورود رسمی آن با هزینه کمتری صورت گرفته و به عنوان رقیب جدی برای کالاهای مشابه تولید داخل عمل می نماید.



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

۷- اثر حقوق ورودی و سود بازرگانی بر تورم

بنا به اظهارات متولیان وزارت صنعت، معدن و تجارت افزایش نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی از نرخ ۴۲۰۰ به نرخ سامانه مبادلات الکترونیکی ای تی اس در راستای اجرای ماده (۳) قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ و بند «ص» تبصره «۶» قانون بودجه سال ۱۴۰۱، باعث افزایش قیمت کالاهای مشمول از جمله کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه شده و موجب آثار تورمی شده است.

دولت با پیشنهاد کاهش حقوق ورودی و سود بازرگانی سعی در کاهش اثرات تورمی ناشی از اجرای قوانین پیش گفته را دارد. اما با تصمیم دیر هنگام دولت در عملیات سازی کاهش سود بازرگانی یا ارائه لایحه به مجلس و زمان بر بودن قانون شدن آن، به نظر می‌رسد در مدت زمانی که طبق قانون بودجه بر اساس نرخ متداول حقوق گمرکی و سود بازرگانی اخذ شده، آثار تورمی خود را در سطح بازار برجای گذاشته است، بنابراین در تصمیم این سیاست و نحوه اجرای آن نیاز با تأمل و بررسی وجود دارد.

با توجه به طبقه‌بندی کالاهای بر اساس طبقه‌بندی BEC انواع کالاهای واردات مشتمل بر کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای، مصرفی و سایر اقلام کالایی است. کالاهای اقتصادی با توجه به نوع کاربردی که دارند به دو طبقه کالاهای واسطه‌ای و کالاهای نهایی تقسیم می‌شوند. کالای واسطه کالایی است که برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و برخلاف کالاهای نهایی برای استفاده کننده نهایی عرضه نمی‌شود. کالاهای نهایی هم توجه به ماهیت آنها و نوع تقاضای خانوار یا بنگاه به کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای تقسیم می‌شوند با توجه به ماهیت متفاوت این کالاها و متفاوت بودن تعیین کننده‌های تقاضای آنها این امر طبیعی است که میزان صادرات و واردات آن روندهای متفاوتی را طی کنند.

کالاهای وارداتی و صادراتی به لحاظ نوع مصرف و آثار آن در اقتصاد به سه بخش کالاهای واسطه‌ای کالاهایی که در جریان تولید دیگر کالاها یا خدمات مصرف می‌شوند، کالاهای مصرفی کالاهای نهایی که در طول سال به طور مستقیم به وسیله مصرف کنندگان نهایی مصرف می‌شوند و کالاهای سرمایه‌ای



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

کالاهایی که عمر اقتصادی آنها بیش از یک سال است و برای تولید کالاها یا خدمات جدید به کار می روند و در حین تولید تغییر شکل نمی دهند تقسیم می شوند.^۱

اهمیت طبقه بندی کالاها و خدمات وارداتی برحسب کاربرد آن از این جهت است که افزایش و کاهش واردات در هر طبقه به گونه ای متفاوت بر اقتصاد کشور اثر گذار است. رشد واردات کالاهای سرمایه ای به معنی رشد سرمایه گذاری در کشور است افزایش واردات کالاهای واسطه ای به منزله افزایش تولید به ویژه در بخش صنعت میتواند قلمداد شود در حالی که رشد واردات کالاهای مصرفی میتواند ضمن اینکه تهدیدی برای تولید این کالاها در داخل باشد از کاهش مزیت تولید این کالا در داخل کشور خبر دهد.^۲

همانطور که گفته شد تورم می تواند از طریق فشار هزینه بر مواد اولیه و کالای واسطه ای، با درصد بالا ایجاد شود، به این بیان که هزینه مواد اولیه که بخش عمده هزینه تولید را پوشش می دهد، با افزایش، قیمت تمام شده محصول نهایی را به میزان قابل توجه افزایش داده و در نهایت تولید کننده برای عرضه محصول خود در بازار قیمت بالاتری را جهت کسب درآمد با صرفه برای خود می کند. در واقع علت افزایش سطح عمومی قیمت ها در این فرض ارتباط وثیقی با افزایش هزینه مواد اولیه دارد. و تورم با این نگاه تنها نقش معلول از طرف فشار هزینه تولید را ایفا می کند.

سطح عمومی قیمت ها عموماً با استفاده از شاخص قیمتها محاسبه می شود. شاخص قیمتها، نشان دهنده تغییرات متوسط قیمت یک سبد مشخص از کالاها و خدمات در یک بازه زمانی است. در بسیاری از کشورها، شاخص قیمتها به عنوان یکی از مهمترین شاخص های اقتصادی و سیاستگذاری به کار می رود تا تغییرات قیمتها را در طول زمان سنجیده و تحلیل کند.

با توجه به طبقه بندی ذکر شده از کالاهای وارداتی و این که کالاهای مصرفی نقش مهمی در وزن محاسباتی تورم کشور دارد و در واقع مهمترین عامل درک تورم توسط مردم است، میزان کل عوارض اخذ شده به عنوان حقوق گمرکی در این دسته کالایی، موجب می شود هزینه تمام شده کالای وارداتی مصرفی بالا رود. از طرف

^۱ (پور فتحی و کفایی، ۱۳۹۹)

^۲ (پاکروح، ۱۳۹۷)



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

دیگر کالای واسطه‌ای برای تولید و کالای خام و نیم‌ساخته در تولید به کار می‌رود نیز با توجه به این که در هزینه نهایی کالاهای مصرفی اثر گذار است، در صورت افزایش مجموع عوارض حقوق گمرکی، قیمت تمام شده تولید بالا رفته و علاوه بر این که از طرف فشار هزینه می‌تواند بر قیمت‌ها اثر بگذارد، از طرف کاهش عرضه کالا نیز موجب افزایش قیمت خواهد بود، چرا که در صورت افزایش هزینه تولید و افزایش قیمت، و عدم انعطاف پذیری بازار به ویژه در کالاهای دارای جانشین، تقاضای موثر کاهش یافته و تولید کنندگان با افزایش موجودی انبار مواجه شده و تولید خود را کاهش می‌دهد.

۸- کاهش حقوق و عوارض گمرکی بر پایه الگوی ایرانی-اسلامی

مبارزه با تورم یکی از سیاست‌های مهمی است که همیشه مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. یکی از ابزارهایی که می‌تواند برای مبارزه با تورم و افزایش میزان عرضه (که در عین حال راحت‌ترین روش سیاست‌گذاری است) مثر ثمر باشد، کاهش حقوق ورودی کالاهاست. با اجرای این سیاست انتظار می‌رود که می‌توان با عرضه بیشتر کالاهای وارداتی به قیمت پایین‌تر، از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کرد اما اجرای این روش باید با هدف اصلی برقراری حقوق ورودی که حمایت منطقی از تولید است، در تناقض نباشد. براساس این، در زمانی که حقوق ورودی بیش از حد منطقی وضع شده باشد یا قیمت جهانی بیش از قیمت داخلی افزایش یافته باشد و افزایش قیمت‌ها ناشی از افزایش تقاضا یا کمبود عرضه در اقتصاد باشد، سیاست کاهش حقوق ورودی هیچگونه اثر نامطلوبی بر تولید نخواهد داشت اما در صورتی که افزایش قیمت‌ها ناشی از افزایش هزینه‌های تولید باشد، کاهش حقوق ورودی برای مبارزه با تورم به بهای اثرهای جبران‌ناپذیری بر تولید داخلی به دست خواهد آمد.

نکته مهمی که وجود دارد این است که مهار تورم مبتنی بر تخفیف در مجموع عوارض حقوق گمرکی، اثر بسیار ناچیزی در کاهش هزینه‌های تولید دارد و در واقع برای مهار تورم واقعی اقتصاد کشور به سمتی رود که کمترین آسیب را از لحاظ قیمت تمام شده محصول نهایی مصرف داشته باشد. از این رو به نظر می‌رسد چرخش به سمت خودکفایی در اقلام اساسی مصرفی به طوری در دستور کار قرار گیرد که نتیجه آن باعث آن شود که اساسا



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

واردات کالای اساسی به دلیل وجود تولید داخلی به کلی ممنوع شود و در صورت اصرار بر واردات، با وضع عوارض وارداتی متناسب، واردات این نوع کالا، صرفه اقتصادی برای واردکننده نداشته باشد.

جلوگیری از تورم و افزایش قیمت‌ها به واسطه کاهش حقوق ورودی کالاهای وارداتی در صورتی می‌تواند قابل دفاع باشد که اصل اساسی حمایت از تولید داخلی را نقض نکند. بنابراین، برای جلوگیری از تورم، کاهش حقوق ورودی در مواردی می‌تواند ابزاری مناسب باشد. لکن باید چارچوبی مشخص وجود داشته باشد که اجرای این سیاست به هدف اصابت کرده و بتواند موجبات جلوگیری از تورم ناشی از حقوق ورودی را بگیرد.

با توجه به اسناد بالادستی کشور، «افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص»^۱ از مهمترین ارکان برنامه‌ای کشور است. از طرف دیگر «گسترش اقتصاد دانش‌بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه‌های اصلی آن، از جمله: زیرساخت‌های ارتباطی، زمینه‌های تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهش به فناوری و گسترش کاربرد آن، حمایت قانونی از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی و مرتبط کردن بخشهای علمی و پژوهشی با بخشهای تولیدی کشور» نیازمندی تأمین زنجیره ایجاد ارزش و تولید کالا را با بومی سازی کالاهای واسطه‌ای برطرف می‌سازد.^۲

به ویژه آن که در نوع کالاهای اساسی که در سال‌های اخیر به تخفیف عوارض مالیاتی و گمرکی آن‌های پرداخته می‌شود، معمولاً کالاهای کشاورزی از جمله دانه‌های روغنی است که در بند ۹ اصل چهل و سه قانون اساسی در رابطه با این نوع کالاهای، تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیاز عمومی را تأمین می‌کنند، شده است تا این که اقتصاد کشور از جمله متغیر تورم وابسته واردات نباشد.^۳

در عین حال کشور دارای فرصت‌های بسیاری است که می‌تواند با ظرفیت خود بسیاری از کاستی‌ها را پوشش داده و به شهادت بیانیه گام دوم «فرصتهای مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل میدهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان

^۱ مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲

^۲ مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱

^۳ شورای نگهبان، ۱۳۹۷، ص ۲۳



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است؛ منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.^۱

نتیجه

با توجه به یافته‌های تحقیق، حقوق گمرکی بر روی هزینه تمام شده محصول نهایی مصرف در دو طیف کالایی مصرفی و واسطه‌ای تأثیر مشهودی دارد. به عبارت دیگر، افزایش حقوق گمرکی مستقیماً باعث افزایش هزینه تمام شده محصول نهایی می‌شود. اما این تحقیق نشان می‌دهد که تنها تخفیفات موردی و موضعی اعمال حقوق گمرکی نمی‌توانند تأثیر قابل توجهی در کاهش تورم داشته باشند. بنابراین برای رسیدن به نقطه مطلوب نیاز به خودکفایی در تولید اقلام اساسی و ایجاد رابطه فناورانه برای تولید کالاهای واسطه‌ای، وجود دارد. با ایجاد ارزش افزوده نسبتاً بالا در داخل کشور، می‌توان تورم را کاهش داد و در واقع عوارض گمرکی برای کالاهای اساسی به نقش اساسی خود که تنظیم گری و حمایت از تولید داخلی است کمک کند. این تدابیر باعث می‌شود که کالاهای داخلی توجه و حمایت بیشتری دریافت کنند تا ارزش افزوده در داخل کشور افزایش یابد و همچنین تورم کنترل شود.

^۱ (مقام معظم رهبری (دام ظلّه)، ۱۳۹۷)



تحلیل مفهومی سیاست تخفیف و معافیت حقوق ورودی و سود بازرگانی و نقش آن بر مهار تورم

فهرست منابع

کتاب:

آقازاده، علیرضا. (۱۳۹۴). سیاست ایران در قلمرو قوانین گمرکی. پیک سبحان.

مقاله مجله تخصصی:

پاکروح، پریسا. (۱۳۹۷). تحلیل آثار تغییرات قیمت فرآورده‌های پروتئینی بر رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در ایران. مجله اقتصادی، (۱).

پور فتحی، نغمه؛ و کفایی، سید محمد علی. (۱۳۹۹). بررسی اثرگذاری نحوه تعیین نرخ ارز بر رفاه اقتصادی. اقتصاد مالی، ۵۳(۱۴)، ۹۷-۱۳۲.

حاتمی زاده، زیور. (۱۳۸۰). تخمین پایه‌ی مالیات بر ارزش افزوده و آثار تورمی کاربرد آن بر اقتصاد کشور. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۸(۹)، ۵-۳۶.

صادقی فروشانی، محمد رضا. (۱۳۸۵). بررسی مزیت‌ها، موانع و پتانسیل بالقوه صادرات کاشی‌های سرامیکی ایران به بازارهای هدف حوزه خلیج فارس. پژوهشنامه بازرگانی، ۴۰(۱۰)، ۲۶۰-۲۲۷.

گیلانپور، امید؛ و رفعتی، محسن. (۱۴۰۱). بررسی آثار تغییر نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق گمرکی و سود بازرگانی بر بخش کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۱۷(۳۰)، ۱۱۵-۱۳۰.

وارث سیدحامد؛ پروندی یحیی؛ و قاسمی روح اله. (۱۳۹۱). ارتقای فضای کسب و کار جهت دست‌یابی به چشم‌انداز اقتصادی: کاربرستی بر اساس تکنیک‌های تاپسیس و آنتروپی. مدیریت بازرگانی، ۴(۱۱).

Caliendo, Lorenzo; Feenstra, Robert C.; Romalis, John; & Taylor, Alan M. (2023). Tariff Reductions, Heterogeneous Firms, and Welfare: Theory and Evidence for 1990–2010.

IMF Economic Review, 71(4), 817-851. <https://doi.org/10.1057/s41308-022-00194-4>
Yu, Miaojie. (2015). Processing Trade, Tariff Reductions and Firm Productivity: Evidence from Chinese Firms. The Economic Journal, 125(585), 943-988.
<https://doi.org/10.1111/eoj.12127>

پایان‌نامه:

فریدونی، محمدعلی. (۱۳۹۴). تاثیر اصلاحات قوانین گمرکی بر فضای حقوقی کسب و کار در جمهوری اسلامی ایران.

قانون:

جمهوری اسلامی ایران. قانون امور گمرکی. ش. ۳۷۳/۵۷۴۴۵، (۱۳۹۰).



اثرگذاری مجموع حقوق گمرکی بر افزایش هزینه تمام شده محصول نهایی مصرف در دو طیف کالایی مصرفی و واسطه‌ای مشهود است، لکن اثر تخفیفات به شکل موردی و موضعی نمی‌تواند اثر خود را در مهار تورم نشان داده و نیاز است بر اساس اسناد بالادستی، راهکار اصلی خودکفایی در تولید اقلام اساسی و ایجاد رابطه فناورانه برای تولید کالاهای واسطه‌ای است تا ارزش افزوده نسبتاً بالا در داخل کشور ایجاد شده و مهار تورم همانطور که در قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده است به واسطه اتکای به تولید داخل انجام گیرد و عوارض گمرکی در این اقلام خاصیت خود که تنظیم‌گری و حمایت از تولیدات داخلی است را بازپس گیرد.